

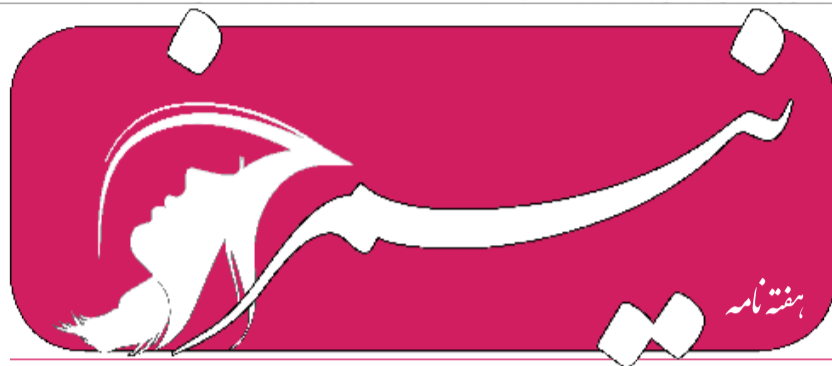


فرخنده؛ دختری که در آتش خشم و جهالت سوخت.

بی اعتباری نتایج آزمایش...



■ سال دوم
■ شماره ۶۳
■ دوشنبه
■ ۵ قوس ۱۳۹۷
■ قیمت ۱۰ افغانی
■ Monday
■ November 26, 2018
■ Vol. 2
■ No. 63



این جا، چراغی روشن است

پرسش: وقتی شوهرت با عصبانیت از خانه بیرون می رود چه کار می کنی؟ پاسخ: در را پشت سرش می بندم!

مارگارت اتوود



رویکرد نیمه‌ی

ضرورت همه‌گانی شدن برنامه‌های روز جهانی محو خشونت علیه زنان

در روز ۲۵ نوامبر، «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» برنامه‌های زیادی گرفته می‌شود. در این برنامه‌ها که اکثریت‌شان در دفاتر و مکان‌های سرپوشیده برگزار می‌شوند، بیش‌ترین مخاطبانانش کسانی هستند که آن‌ها به نحوی در این مورد آگاهی دارند و مناسب آن‌روز را نیز درک می‌کنند.

به‌طور نمونه؛ سالانه در افغانستان به خصوص کابل، در این روز محفل‌ها گرفته می‌شود و تعدادی سخن می‌گویند. اما تنها چیزی که در این جا دست نخورده باقی مانده است عملی شدن و همه‌گانی کردن این موضوع است. به عنوان مثال، تنها کسانی از این برنامه‌ها مستفید می‌شوند که مقام و جایگاهی در اجتماع دارند و اکثریت آن‌ها کسانی هستند که مسئله محو خشونت را فقط در قالب یک واژه شنیده و خوانده‌اند. این افراد نه تنها برای حل این مسئله دست به کاری نمی‌زنند، بلکه خود خشونت اعمال می‌کنند. مردم عام و آن‌هایی که بیش‌تر عامل خشونت هستند و نیاز دارند که با آن‌ها در این مورد گفت‌وگو شود، از این بحث‌ها دور می‌مانند.

بنابر اساس همین دلایل؛ باید برنامه‌های روی دست گرفته و عملی شود که تمامی مردم از آن بهره بگیرند. به عنوان مثال، در خصوص روزهای محو خشونت علیه زنان برنامه‌های چون تیاتر خیابانی، سخنرانی در میان مردم و ایجاد گروه‌های مختلف که بتوانند در مناطق مختلف سفر و آگاهی‌دهی نمایند.

مسئله خشونت یکی از جدی‌ترین مسئله‌ها در افغانستان است. سالانه بیش از هزاران انسان قربانی خشونت می‌شوند. زنان، کودکان و در سطح عموم، مردم عادی بیش‌ترین قربانیان خشونت است.

فرهنگ خشونت علیه زن

یکی از عادی‌ترین مسئله‌ها در افغانستان خشونت علیه زنان است

● صفحه ۳

زن سیمای شهر است

(رخ‌نمای از زن و آواره‌گی‌اش)

زن، بر نمی‌انگیزد. برای این زن باریدن برف و باران، بدبختی است و سرما می‌زاید و مریضی‌ها را می‌آفریند. آیا می‌توان چنین زن را تصور کرد و تصویر از شهر و زمان و وضعیت را در حال او دید و می‌توان او را نماد گرفت و زن را نماد شهر و شهید و زنده‌گانی گفت؟! آیا زنده‌گی یک زن افغانی حالت از وضعیت زنده و بی‌راهی زمانه‌ی او نیست؟ آیا وضع اسفبار یک زن، هیبت از سرزمین او نیست؟

چهره‌ی خاک‌خورده و بی‌حال یک زن می‌تواند هیبت باشد از درد زمین و فلاکت آسمان زنده‌گی‌اش. این وضعیت اسفباری اوست، اما در حقیقت این زن نیست که خاک خورده بلکه این دولت فاسد است که حقوق و عدالت اجتماعی را زیر خاک کرده و شعور و شناخت را زیر پا نموده و لگدمال می‌نماید. این زن نیست که رنجور است و آه می‌کشد. بلکه این شهر است که زخم می‌خورد ولی کسی نمی‌داند و دردش را آن زن فهمیده. این زن نیست که بی‌خواب است و شب‌ها در تنهای محض در دل خویش مخته سر می‌دهد. بلکه این طفل است که بزرگ می‌شود و هر شب می‌گرید. واقعاً زن چیست و کیست این که می‌آفریند و به کمال می‌رساند. اگر محض هنر از «زن» منشأ نمی‌یابد، پس

● ادامه در صفحه ۳...

روایت کج. ع. اسرافیل

پارلمان آینده و سرنوشت زنان

وکیل بودن امتیاز نه بلکه مسوولیت است

موضوع به فرادستی مردان، فرو دستی زنان و نقش کلیشه‌های اجتماعی در جامعه نسبت داده شده و با بررسی نقش زن و مرد از نهاد کوچک مانند خانواده شروع تا حوزه کلان اجتماعی و تصمیم‌های سرنوشت‌ساز سیاسی همراه بوده است.

گروه دیگر با افراطیت تمام از نداشتن ظرفیت و عدم توانایی زنان و ایفا نکردن نقش‌های اساسی در نظام و حکومت‌داری صحبت می‌کنند و عده‌ی هم با روی کرد به اصطلاح؛ اصلاح طلبی کارکردهای زنانی را زیر سوال می‌برند که در بدنه حکومت و ساختارهای مختلف اداری در درون دولت شامل بودند، اما فراموش کردن که از آدرس زنان و با استفاده از امتیازات زنان در همان جایگاه قرار گرفته‌اند. ● ادامه در صفحه ۲...



تحلیل

کج. آمنه امید

در طول هفده سال اخیر یکی از موضوعات جدی و مورد بحث در حوزه‌ی زنان بحث عدم انسجام زنان بوده است. بارها گفته و شنیده شده است که زنان در تشکیل نظام سیاسی و ادامه آن همیشه بخش از مشروعیت بوده، اما هیچ‌گاه به صورت درست و واقعی آن بخش از قدرت سیاسی در اختیار زنان قرار داده نشده است.

به عبارت دیگر، همیشه از حضور و مشارکت زنان در اجتماع، سیاست و حوزه تأمین منافع اقتصادی استفاده ابزاری صورت گرفته است. گاهی این

زن برای زن



تحلیل
حکیمه مهناز جعفری

برای این که دختران با شرایط خوب و شایسته زنده‌گی کنند در قدم اول باید آنان خودشان ارزش و اهمیت خویش را در جامعه دریابند، باید از حقوق شان آگاه شوند، معقولانه رفتار کنند.

از کلمه‌های سیاه‌سر هم استفاده می‌کنند بدون دانستن کلمه‌ها، و آنان باید در تصمیم‌های خانه دخالت نکنند به خاطر که دختر در خانه صلاحیت ندارد و مال مردم است و وقتی هم که شوهر کند باید تحت امر او باشد تا زنده‌گی آرام‌تر داشته باشد، ولی بی‌مهری خانواده، مال مردم گفتن

با تاسف افغانستان از جمله کشورهای است که زنان در آن با مشکلات و چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. از دوران کودکی با نگاه تبعیض آمیز و تنفر به دختر دیده شده و با او رفتار متفاوت شده است، حتا به دنیا آمدن شان باعث ننگ و شرم‌ساری خانواده‌ها بوده، نمونه کوچک‌اش نام‌های دختران

تصمیم‌های بزرگ زنده‌گی‌اش گرفته می‌شود مانند ازدواج، و اگر دختری هم اعتراض کند به او لقب‌های بد و ناپسند می‌دهند. تصمیم‌های دیگری که مجبور می‌شوند قبول کنند، و دلیل‌های دیگری مثل وضع نامناسب اقتصادی خانواده، فراهم نبودن امکانات اولیه برای زنده‌گی، دلیل‌های می‌شوند که دختران کارهای کنند که شایسته نیستند. سبب می‌شوند که زنده‌گی خود و نزدیک شان را با خطر مواجه کنند حتا دخترانی هستند که اقدام به خودکشی کرده اند.

برای این که دختران با شرایط خوب و شایسته زنده‌گی کنند در قدم اول باید آنان خودشان ارزش و اهمیت خویش را در جامعه دریابند، باید از حقوق شان آگاه شوند، معقولانه رفتار کنند. در این سال‌های اخیر در کشور افراد زیادی برای دفاع از حقوق زنان و ایجاد سهولت برای بانوان تلاش کردند، نهادها و انجمن‌های زیادی پول‌های هنگفت را مصرف کردند، گفته می‌شود پروژه‌های با کمک‌های ملی و بین‌المللی در رابطه به توانمند سازی زنان فعالیت کرده‌اند اما باتاسف آن گونه که این انجمن‌ها و نهادها برای توانمندسازی بانوان کار می‌کردند و برنامه‌ها و پروژه‌ها را تطبیق می‌کردند و دست‌آوردهای چشم‌گیری می‌داشتند نداشته اند. یگانه راه حل برای بیرون رفت از این معضل، تلاش و پشت کار داشتن خود بانوان است که باید خود شان حامی یک‌دیگر باشند، برای حل مشکلات همدیگر فعالیت کنند و با هم متحد باشند. تا زن برای زن در کشور تلاش نکنند و حامی یک‌دیگر نباشند، وضعیت زنان در کشور تغییر نخواهد کرد.



شان، اجازه ندادن برای بالا رفتن مهارت‌ها یا ادامه ندادن تحصیلات عالی، خشونت‌های که به دختران می‌شوند، بدون کوچک‌ترین نظر از دختر

است. نام‌های که معنای مناسب ندارند برای شان انتخاب شده، مثلن برادر بخت، بس بی بی و... ولی اکثر خانواده‌ها نمی‌دانستند و نمی‌دانند که فرق قایل شدن در بین پسر و دختر شان، بال و پر دختر را از ش می‌گیرد، نسبت به همه چیز احساس تنفر و نفرت پیدا می‌کند، از خودش گرفته تا خانواده، مرد، جامعه و حتا از زنده‌گی کردن، شرم می‌شود و خجالت می‌کشد که دختر است، می‌گویند کاش پسر بودم. ناگفته نماند که در کشور ما دخترانی هم هستند که با پوشیدن لباس پسرانه جنسیت‌شان را فراموش کرده اند و بعضی‌های شان همین وضع را دوست دارند و می‌گویند این گونه می‌توانند هر کاری که بخواهند انجام دهند و آزار و اذیت هم نمی‌شوند ولی بعضی شان با حس دیگری می‌گویند خوب به این وضع عادت کردیم و راحت هستیم. از این‌ها بگذریم که دختران در خانه باید از دستور و گفته‌های برادرش و دیگران اطاعت کند، باید خیلی کارها برای آنان انجام دهند و خیلی کارها را هم انجام ندهند چون دختر است، حتا

در این سال‌های اخیر در کشور افراد زیادی برای دفاع از حقوق زنان و ایجاد سهولت برای بانوان تلاش کردند، نهادها و انجمن‌های زیادی پول‌های هنگفت را مصرف کردند، گفته می‌شود پروژه‌های با کمک‌های ملی و بین‌المللی در رابطه به توانمند سازی زنان فعالیت کرده‌اند اما باتاسف آن گونه که این انجمن‌ها و نهادها برای توانمندسازی بانوان کار می‌کردند و برنامه‌ها و پروژه‌ها را تطبیق می‌کردند و دست‌آوردهای چشم‌گیری می‌داشتند نداشته اند. یگانه راه حل برای بیرون رفت از این معضل، تلاش و پشت کار داشتن خود بانوان است که باید خود شان حامی یک‌دیگر باشند، برای حل مشکلات همدیگر فعالیت کنند و با هم متحد باشند. تا زن برای زن در کشور تلاش نکنند و حامی یک‌دیگر نباشند، وضعیت زنان در کشور تغییر نخواهد کرد.

جدد گیسو
کریمه شیرنگ

وقتی پنجره را گشودم
باد!
حکایت وزیدن تور در تنم می‌کرد
تمام هستی‌ام
تفسیر آیه‌های شهوانی‌ترین بوسه‌ی توست
من صدای خودم را دیدم
که پهنای افق را تسخیر کرد
وعشق
تنها
عشق
نشان جاویدانه‌گی را بر پیشانی آوازم زد
وقتی پنجره را گشودم
زمین!
سرشار از بغض شادمانه بود
و ساده‌گی زبان مرا
به خاک نشینان پاکیزه‌سرشت آموزش می‌داد
باور زمین
پر از صدای من بود.
وقتی پنجره را گشودم
تاریکی به تهی شدن مفهومش تن‌داد
و فوران روشن نور
از گم‌نام‌ترین کوچه‌ی شهر برخاست.
وقتی پنجره را گشودم
دیدم که به واقعیت روزگار رسیدم
دیدم که
لبریز اعتبارم
دیدم که تنم در تمام روزگار بعد خودم
حسابی تحلیل می‌شود.

ادامه از صفحه ۴..

بی‌اعتباری نتایج آزمایش...

دارند که پرده بکارت شان زایل نشده است؛ پس نمیتوان باکره بودن یک زن را با خون‌ریزی ثابت کرد.»
آقای بختیاری افزود، ۲۰ درصد از مصاحبه شونده‌گان تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر، معاینه بکارت داده و مجازات شده اند. این در حالی است که هنوز هم شماری از زنان به خاطر درج پاسخ منفی در دوسیه شان پس از آزمایش طب عدلی به زندان رفته اند و هنوز هم تاوان باورهای غلط اجتماعی و سرپیچی نهادها از قانون را می‌پردازند. عبدالرحمان هوتک، کمیشنر امور دینی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در برنامه تاکید کرد که باید این مسئله به صورت بنیادین حل شود و برای حل این مسئله باید عوامل و زمینهای آن شناسایی و منحل گردد. آقای هوتک گفت که پس از اتهام زنا ضرورت این آزمایش پیدا میشود و اکثر قضایای آزمایش پرده بکارت در پی فرار از منزل دختران صورت میگیرد که فرار از منزل نتیجه فرهنگ ازدواج اجباری و ظلم درون خانواده‌گی است.

در شب زفاف خون‌ریزی نداشته و به طب عدلی مراجعه میکنند تا ثابت شود که پیش از این با کسی رابطه جنسی داشته است یا نه.»
در همین حال، محمداشرف بختیاری، نویسنده‌ی کتاب «بررسی معاینه دوشیزه‌گی و پیامدهای آن از نظر فقه، حقوق و علم طب» در برنامه رونمایی کتابش، فرهنگ اجتماعی را متضاد با علم طب دانست و گفت که هر چند در فرهنگ اجتماعی افغانستان، خون‌ریزی دلیل بکارت و بکارت دلیل عفت زن پنداشته میشود ولی علم طب این مسئله را رد میکند، با وجود این که نتایج آزمایش این معاینه اعتبار فقهی، حقوقی و طبی ندارد، بازم هنوز انجام میشود.
آقای بختیاری با بیان نتایج تحقیقاتش گفت: «خون‌ریزی در هنگام مقاربت ملاک باکره بودن و پاکدامنی نیست؛ زیرا در نتایج یک تحقیق کمیسیون مستقل حقوق بشر آمده است که ۴۴ تا ۶۳ درصد زنان در اولین رابطه جنسی، پرده بکارت شان زایل (دریده) نمی‌شود. همچنین نتایج این تحقیقات نشان میدهد که فاحشه‌هایی نیز وجود

ادامه از صفحه ۱..

پارلمان آینده و سرنوشت..

کرده با آگاهی از درد مشترک زنان با روی کرد جدید(حمایت از همدیگر و اجازه ندادن به کسانی که در سدد لطمه وارد کردن با منافع کلان زنان و هویت زنانه در جامعه هستند). شروع این روند از کلان شهرها توانست در قدم‌های بعدی هماهنگی میان زنان در سطوح دیگر جامعه را نیز به وجود آورد، که این کار در میزان حضور و نقش آفرینی زنان رای دهنده نیز تاثیرگذار واقع شده اند. اما از آن جای که عدم حکومت‌داری خوب در کشور و کارکرد نادرست کمیسیون‌های انتخاباتی، عدم مدیریت این پروسه کلان و تاثیرگذار بر سرنوشت همه شهروندان باعث شده که در تامین منافع مردم کوتاهی صورت گیرد. اما زنان رای گیرنده باید مسوولیت پذیر باشند و آگاهانه از ارزش رای، رای‌دهنده‌گان شان محافظت کرده و در سدد تامین منافع آنان باشند. آنان باید این موضوع مهم و اساسی را درک کنند که رای دهنده‌گان با استعمال رای شان به نماینده‌گان، آنان را صاحب امتیاز نکرده بلکه بار مسوولیت بزرگ نماینده‌گی از مردم و وکالت را به عهده آنان می‌گذارند.

این خانم‌ها کم‌تر برای تامین منافع کلی زنان در جامعه وقت گذاشتند، اکثرن به خاطر تامین منافع شخصی، خانواده‌گی و حزبی خویش تلاش داشته اند. در طول ۱۷ سال اخیر حضور زنان در بدنه و ساختار حکومتی به میزان کمیت خویش کیفیت نداشته و در بسا موارد عدم حضور کیفی آنان باعث انکار شدن و سمبولک دانستن نقش و موقف زنان در سطوح بلند دولتی گردیده است. نقش سمبولک، کارکردهای غیر موثر و عدم حضور کیفی بانوان در پارلمان‌های قبلی نیز برجسته بوده است. زنان در دو دور پارلمان نتوانستند به گونه درست در برابر قوانین تبعیض آمیز ایستاد شوند. قوانین که تامین کننده منافع کلی زنان در جامعه باشند را تقویت نمایند. به بیان دیگر زنان نتوانستند در این عرصه نقش فعالانهای داشته باشند. بلکه همیشه واکنش‌های در مقابل کنش دیگران داشته‌اند، از طرف دیگر زنان در پارلمان خودشان را تافته جدا بافته از دیگر زنان دانسته و هر روز فاصله بین زنان رای گیرنده و رای دهنده گان آنان بیش‌تر شده است.
در انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ نسل از زنان تحصیل



مزارش



ک. حسین احمدی

فرهنگ خشونت علیه زن

یکی از عادی‌ترین مسئله‌ها در افغانستان خشونت علیه زنان است

ضمن آن که رسانه‌ها ابزاری برای محو خشونت علیه زنان به شمار می‌رود تا با استفاده از فرصت‌های رسانه‌ای خشونت علیه زنان را کاهش داد، اما فریده نیکزاد، رییس «اتحادیه زنان ژورنالیست افغانستان» در این برنامه گفت که محیط رسانه‌ها یکی از مکان‌هایی است که زنان خبرنگار در آن شاهد تبعیض و خشونت هستند. خاتم نیکزاد افزود که تبعیض خود خشونت است که شماری زیادی از زنان خبرنگار را از کار منصرف کرده است.

برای کاهش خشونت علیه زنان در کشور کمپاین پانزده روزه راهاندازی شده است که از ۲۵ نوامبر، روز جهانی محو خشونت علیه زن تا ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر ادامه دارد. وزارت امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ، شبکه زنان افغان و شماری از نهادهای حقوق بشری، هر کدام با برنامه‌های متنوع این کمپاین را همراهی می‌کنند.

در همین حال، نجلا راحل، رییس شبکه زنان افغان می‌گوید که در ابتدا باید یک تحقیق سراسری صورت بگیرد تا مشخص شود که آمار خشونت علیه زنان افزایش یافته یا آمار ثبت شکایت‌های خشونت. این در حالی است که ثبت خشونت در افغانستان تنها در مناطق امن و جاهایی ممکن است که نهادهای حامی حقوق زنان وجود داشته باشد. بنابر حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی در اکثریت نقاط کشور به ویژه در ولایت‌های شرقی، جنوب و شمال کشور مسایل حقوق بشری و حقوق زنان و کودکان پایمال می‌شود و دسترسی آنان به عدالت نیز سخت است.



از حقوق مسلم زنان حمایت می‌کند، اما به دلیل فقر، فساد، فرهنگ اجتماعی نامناسب و عدم حضور مؤثر زنان در سطوح تصمیم‌گیری و با صلاحیت حکومت؛ این اسناد قانونی هنوز به صورت درست تطبیق نشده است.

بنابراین، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید یکی از راه‌های بهتری که می‌توان به پدیده خشونت علیه زنان پایان بخشید، حرکت هماهنگ دولت، مردم و رسانه‌ها است که با تدویر برنامه‌های نمادین و آگاهی‌دهی از ابعاد و عوامل خشونت بتوان بر این معضله نقطه پایان گذاشت.

حسین صافی، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ در این برنامه گفت که خشونت علیه زن تبدیل به یک فرهنگ شده است و برای از میان بردن این فرهنگ باید به طور بنیادین مبارزه شود. او افزود که برای محو خشونت باید دادخواهی‌ها، برنامه‌ها و تلاش‌ها برای کاهش منع خشونت ترویج یابد و در ضمن، با ایجاد یک سیستم حمایتی از زنان، در این رابطه باید بر تطبیق قوانین هم‌چون قانون منع خشونت علیه زنان و لوائح نافذ کشور نیز نظارت جدی صورت بگیرد.

با وجود قوانین نافذ و لوائح رسمی در افغانستان که

خشونت علیه زنان، یکی از داغ‌ترین مباحث حقوق بشری در افغانستان است که در طی هفده سال اخیر دولت و دیگر نهادهای ملی و بین‌المللی گفتمان‌های زیادی را به راه انداختند و هزینه‌های هنگفتی به خرج رسید، اما هنوز هم بدترین فجایع در کشور قضایای نقض حقوق انسانی زنان است. در راستای شناسایی عوامل خشونت در افغانستان تاکنون نهادهای چون کمیسیون مستقل حقوق بشر، وزارت امور زنان، وزارت اطلاعات و فرهنگ و دیگر نهادهای مدنی و تحقیقاتی داخلی و خارجی کار کرده‌اند، اما تا هنوز راه‌کاری به وجود نیامده است که بتواند به طور بنیادین راه‌گشای این مسئله باشد.

وزارت امور زنان در هفته گذشته، روز شنبه، ۱۷ نوامبر جهت گرمی‌داشت از «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» یک برنامه‌ای را دایر کرده بود. خانم دلبر نظری، وزیر امور زنان در این برنامه آماری را ارائه کرد که نشان می‌دهد در شش ماه نخست امسال کم‌تر از دو هزار شکایت از خشونت علیه زنان ثبت شده است. این رقم نشان می‌دهد که آمار ثبت شده در نماینده‌گی‌های وزارت امور زنان، نسبت به سال گذشته کاهش یافته است؛ اما وزارت اطلاعات و فرهنگ از گسترده شدن خشونت علیه زن شکایت می‌کند.

وزارت اطلاعات و فرهنگ، روز یکشنبه، ۲۵ نوامبر در مرکز اطلاعات و رسانه‌های حکومت در کابل طی نشست ضمن گرمی‌داشت از روز جهانی محو خشونت علیه زنان، از آغاز یک کمپین پانزده روزه برای محو خشونت علیه زنان خبر داد.

ادامه از صفحه اول

زن سیمای شهر است

(رخ‌نمای از زن و آواره‌گی‌اش)

حاشیه‌های کندهار و کتر و کاپیسا زنده‌گی می‌کند. زن را می‌توان در مقابل واژه‌ی زنده‌گی قرار داد و زنده‌گی گفت با تمام رنگارنگی و گرم و سردی‌اش. اما در بسیاری مناطق افغانستان معادل دیگری را به زن داده‌اند و زن یعنی زنده‌گی، یعنی زنا یعنی تباهی یعنی عاریضه‌ی ننگ و شرم مردان. این فکر می‌تواند به همان میزان افراطی باشد که بی‌شمار مردان این سرزمین با آن زیسته‌اند؛ مردان که در «کون» شان برب فرومی‌کنند تا انسان بکشند و زنده‌گی دیگری را بگیرد. با چه دیدگاهی، می‌توان؛ جنس اول خوانند و جنس قوی و غالب ستود. چون زن نیست یا این که می‌تواند با خود بمب و باروت حمل کند و ترس و تباهی بیافریند. اما در واقع این ایدیولوژی است که خانه‌ی تفکر را ویران نموده و دل اندیشه را خالی ساخته است. این افراد خاطی در فکر «کون» شان نیست بلکه در فکر بمب و کشتن است تا بهشت نداشتنش را به‌دست بیاورد. این مذهب است، این عقیده است و این تعصب است که اراده به دانایی را از آنان سلب نموده و بر شعوری انسانی‌اش «شاشیده». از آنان موجودی ساخته‌اند که در توحش و تعصب خویش می‌زیند و تباه می‌کند هر آن چه را دیگری ساخته است. در این نقطه‌ی دنیا؛ زن بودن واقعن چه معنا دارد. جزو مرگ عزیز شان را دیدن و ستم روزگار را به دوش‌های نحیف‌شان کشیدن. مذهب برای مادر من چه کار کرده، جزو این که موی سیاه و زیبایش را با دعا خواندن سفید کرد و از قضا و بی‌قضایی نماز و روزه‌اش، کمر استوار و مغرورش خمیده شد و از نگرانی حرام و حلال، چهره‌ی سفید و جمال جلال‌اش، چرکو چروک گرفت و خط افتاد و خال شد. بهشت برین مادرم در کجایی دنیا قرار دارد. آن کس که وعده‌اش را می‌دهد و پیامش را می‌رساند به حال مادرم چه می‌تواند بگوید. جزو این که به بهشت برین خواهد رفت و شراب نوش جان می‌کند و سعادت‌مند می‌گردد. این چیزها چه تأثیر به حال او در این دنیا می‌کند. در این نقطه‌ی دنیا زنده‌گی برای مادرم چه معنایی دارد. او یک انسان است مثل

هنر - در این وادی دروغ و پیاوه - چه معنایی می‌دهد. بدون زن جهان وارونه است. سیما و زیبای شهر زن است. بدون زن جهان بی‌رنگ می‌شود و خانه بی‌مهر می‌گردد. در نهایت؛ جهانی بدون زن هیچ قابل تصور نیست. زن جهانی نانوخته است.

زنان می‌توانند جهان بیافرینند که به روایت خود شان باشد. با دست‌ان خود از خود روایت کنند. از تن خود از درد خود و از ستم ناسازگاری روزگار، نجوا کنند. از ناروایی فرمان‌داران جهان و از آنان که دنیا در دست‌ان شان بود و بر شاهان که طبل جنگ شان همیشه در همه‌جا طنین می‌آنداخت، اما ناله و آه هیچ مادر را نمی‌شنید. زنان باید زنده‌گی‌شان را روایت کنند. جهان بینی‌اش را و هنر و جهان شناختی‌اش را. دوبووار به صراحت و درست اشاره می‌کند: «هیچ انسانی، زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن ساخته می‌شود». جنس اول و دوم یا قوی و ضعیف به دنیا نمی‌آید. بلکه در این جهان است که درجه می‌دهد و این، انسان‌هاست که قوی و ضعیف تعریف می‌کند.

اما خود زن است که می‌پذیرد زن ساخته شده و به عنوان یک زن زنده‌گی کند. هیچ وقت نخواست فراتر از آن چه گفته می‌شود بیان‌دیشد و دورنمای بزرگ‌تر را ببیند. زن در جامعه‌ی افغانی «سیاسر» بودن است. ضعیفه و بیچاره و ناتوان قلمداد شده. اما هیچ‌گاه از خویش نپرسیده که چرا ضعیفه خطاب می‌شود؟ و هرگز این پرسش به ذهن‌اش خطور نکرده که چرا ناتوان از گفتن و دیدن است و در محدودیت تنگ مذهبی-اخلاقی قرار دارم؟ ارزش یک انسان به چه چیزی است و من به چه ارزش‌های باورمندم؟ زنده‌گی در محدودیت و نگاه‌های محبوس به دیوارهای خانه چه خلاقیت در من می‌کارد! استعداد من در این چهار دیواری چقدر می‌تواند شگوفا شود و چطور می‌توانم زنده‌گی‌عاری از خشونت و جنگ و تحقیر داشته باشم؟ واقعن زنده‌گی یک زن در جامعه‌ی افغانی چقدر می‌تواند تغییر کند؟ زن بودن که «بدبختی بزرگی» است و بدبخت‌تر از آن، زن که در افغانستان است. و تحقیرکننده‌تر از آن، زنی که در

نگیرد، هر زخم، هر گلوله و هر آتش‌پاره‌ی تا عمق وجودش فرو می‌رود و اما هیچ حرف ندارد که بزند او یک مادر است و سیمای شهر. این زن گوهری تمدن بشری است. آن موجود ضعیفه افرویدت است که آتش گرفته. خوش‌بختی است که بدبخت شده و بهشت و زنده‌گی است که به جهنم و مرگ تبدیل شده. این زن تمامی آن چیزی است که آدمی می‌تواند داشته باشد و تمام جهان است که در خود دارد. این زن آرزوها را به سر انجام می‌رساند و رویاهای قیچی شده را بافت می‌دهد. این یک زن است که جهانی می‌آفریند، انسان خلق می‌کند و بزرگ می‌کند تا به کمال برسد و به آرزوهایش وصل شود. این زن اصل زنده‌گی است که می‌خواهد دویدن یاد بدهد و از نقطه‌ی آغاز نمودن و جهت دادن. نگاه کردن و به اعمال خویش اندیشیدن. این زن زیباست و زیبا دیدن را می‌آموزد و زیبا زیستن را. این همان زنی زیباست که موی سیاهش سفید شده و دندان‌های صدف‌گونش خاک شده و در رفته است.

این همان روزگاری‌ست که چیزی نغز را کبود کرده و تهی ساخته است. این زن همان شهری‌ست که ویران می‌شود، غلغله می‌گردد و بودای‌ست که از «شرم» فرو می‌ریزد. این زن سیمای شهر است. زنی قوز کرده و دست‌ان آبله‌دارش را چمپانمه زده و به افق خیره شده است. نه به کوهی تکیه زده و نه جوی آبی خروشان از جلویش می‌گذرد، بلکه او در کوبری نشسته و شدت گرما و توان تین رنجورش را آزمایش می‌کند. توان ماندن و مردنش را. توان تاب آوردن و تمام کردنش را. این زن «زن» نیست بلکه شهری‌ست که آور شده، اما فرو نمی‌ریزد، آدم‌ها رخت برپسته و رفته است ولی آرام است و با گلوله‌ها و زخم‌های صاحبانش، می‌سوزد و می‌سازد، چون او شهر است و ماندن اصالت اوست. باید بماند، تاب بیاورد و زخم بخورد. این انسان که در لایه‌لای آوارها در این نقطه‌ی زمین می‌زید و هر روز خان‌های امیدها و امیال‌هایش آوار می‌گردد؛ زن است. زن که در آواره‌گی است و جزو آواره‌گی هیچ چیزی نمی‌تواند، درد، غربت و بیگانگی‌اش را معنا نماید. او بیگانه، ناشناخته و تنهاست یعنی او هنوز معنا نشده است و با قابلیت‌هایش و تازه‌گی‌هایش دور مانده است. و زن شدن چه بدبختی بزرگی است و بدبخت‌تر آن‌که زن باقی بماند. رنج این موجود بدبخت را چه کسی می‌فهمد وقتی نمی‌تواند در قطع‌نامه بخواند؟! وقتی نمی‌تواند چغ بکشد و گلویش بریده است.

بی اعتباری نتایج آزمایش پرده بکارت بانوان از نظر فقه، حقوق و علم طب

در کلینیک‌های خصوصی نیز انجام می‌شود که کارشناسان و روانشناسان تاثیر روانی این معاینه را خطرناکتر از تجاوز و اصل مسئله اتهام میداند که براساس تحقیقات صورت گرفته، نه تنها آزمایش پرده بکارت حقیقت را ثابت نمیکند، بلکه نوعی رفتار ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز، خشونت، شکنجه، تبعیض و تجاوز جنسی علیه زنان شمرده می‌شود. دوکتور مژگان اعظمی، آمر بخش حیاتی طب عدلی کشور یکی از اشتراک کننده‌گان برنامه رونمایی

این کتاب بود که در حاشیه این برنامه به رسانه‌ها گفت: «براساس گزارشهایی که ما در اداره طب عدلی ترتیب میدهیم، در هر ماه از ۳ تا ۱۰ قضیه آزمایش پرده بکارت با استعمال نهادهای مختلف دولتی؛ سارنوالی، حوزهای امنیتی پولیس و... به طب عدلی مراجعه میکنند. معاینات آنان بنابر خواست نهادهای عدلی و قضایی و یا نهادهای امنیتی با رضایت خود فرد، خانواده‌هاش و با وجود سارنوال مسوول پرونده، صورت میگیرد.»

او افزود، پیش از صدور حکم ریاست جمهوری مبنی بر لغو آزمایش پرده بکارت، سالانه ۳۰۰ قضیه بدون استعمال به طب عدلی مراجعه میکرد، ولی اکنون فقط کسانی معاینه می‌شوند که با استعمال نهادهای امنیتی و یا دادستانی مراجعه می‌کنند. خانم اعظمی گفت که «اکثریت مراجعه کننده‌گان آزمایش پرده بکارت، قربانیان تجاوز جنسی و کودکان سن خرد هستند که به خاطر اثبات وقوع تجاوز به این نهاد می‌آیند؛ هم‌چنین، عروسخانمهایی هستند که ... ادامه در صفحه ۲ ...»

مختلف باید تحقیق بیشتر صورت بگیرد و گفتمان‌هایی شکل بگیرد تا راه‌های بدیل و بهتر از مجراهای حقوقی روی دست گرفته شود.

دوکتور عبدالقدیر قدیر، رییس عمومی پالیسی و پلان وزارت صحت عامه نیز در این برنامه گفت که پرده بکارت از لحاظ علمی یک پرده‌ی متنوع و متحول است که از بدو تشکیل جنین تا بلوغ دختر خانمها رشد میکند، و ممکن است این پرده در تعدادی از خانمها قابل لمس و دید نباشد؛ بنابراین آزمایش



آن برای اثبات بکارت (نداشتن رابطه جنسی) جز لطمه زدن به روان بانوان دیگر هیچ دست‌آورد خوبی ندارد و حتا در شماری از قضایا، پرده بکارت بانوان در هنگام آزمایش دریده شده است.

آقای قدیر افزود: «با آن که این کار هیچگونه مبنای قانونی و اعتبار علمی ندارد، اما هنوز از نهادهای دولتی دستور و استعمال انجام آن صادر میشود.» در حالی که نتایج آزمایش پرده بکارت برای تامین عدالت در قضایای تجاوز جنسی و اتهام‌های روابط جنسی معتبر نیست، بازهم توسط طب عدلی و حتا

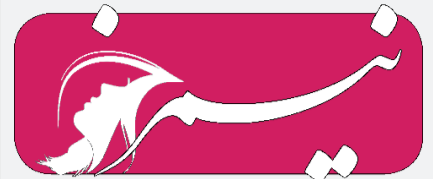
«بررسی معاینه دوشیزه‌گی و پیامدهای آن از نظر فقه، حقوق و علم طب» عنوان کتابی است که محمد اشرف بختیاری در کابل نوشته و روز شنبه، ۳ قوس ۱۳۹۷ خورشیدی، در دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر در کابل، رونمایی شد.

در این برنامه کارشناسان و مسوولان ارگان‌های دولتی در مورد ابعاد فقهی، حقوقی و طبی آزمایش پرده بکارت بانوان و پیامدهای ناگوار معاینه‌شونده را نیز بحث کردند.

آن چه در این برنامه تصریح شد، این بود که نتایج آزمایش پرده بکارت از نگاه فقهی، حقوقی و علوم طبی هیچگونه اعتباری ندارد. در افغانستان، آزمایش پرده بکارت بانوان برای اثبات قضایای تجاوز جنسی و دفع و ثبوت اتهام روابط جنسی زن و مرد، صورت می‌گیرد، اما ضمن پیامدهای ناگوار این معاینه که سرنوشت یک زن را دگرگون می‌کند، اکنون تحقیقات نشان می‌دهد که پیامدهای ناگوار آن بیش‌تر از کارآمدی‌اش است و نتیجه آن نیز از نظر فقه، حقوق و علم طب مدار اعتبار نمیباشد.

غلام حیدر علامه، معاون تعقیب قضایی دادستانی کل، در این برنامه گفت که آزمایش پرده بکارت، از لحاظ حقوقی، اصل رعایت مصلحت متضرر را زیر پا میکند، قربانیان بدون جرم برچسب مجرم خورده و به زندان میروند؛ در حالی که بر اساس سیاست صحتی دولت این معاینه منع شده و انجام آن مبنای حقوقی نیز ندارد.

او افزود که در مورد آزمایش پرده بکارت از ابعاد



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۳ • دوشنبه ۵ قوس ۱۳۹۷
Monday • November 26, 2018
Vol. 2 • No. 63



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سرمدبیر: ریحانه رها

گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com

په اسلام کې هر ډول تاوتریخوالی منع دی، خو ترهګر هېڅکله اسلامي ارزښتونو ته درناوی نه کوي او د هغو پر خلاف کړنې کوي. دیني عالم مولوي عبدالشاکر صافي وویل: "ترهګر په قرآنکریم نه پوهېږي، خلک وژني، په جوماتونو کې ځانمرګي بریدونه کوي، د سرک پر غاړه ماینونه ږدي او مسلمانان وژني. دوی دې ډول کړنو سره، اسلام بدناموي."



پوهه پر جهالت غوره کړی!



روشنی را بر جهالت ترجیح دهید!

در اسلام هر گونه خشونت ممنوع است، اما تروریستان هیچگاه به ارزش های اسلامی احترام نگذاشته و خلاف آن عمل می کنند.

مولوی عبدالشاکر صافی عالم دین گفت: "تروریستان قرآنکریم را نمی فهمند، مردم را می کشند، حملات انتحاری را در مساجد انجام می دهند، ماین ها را در کنار سرک جابجا می کنند و مسلمانان را می کشند. اعمالی که آنان انجام می دهند، اسلام را بدنام می کنند."